



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

حضانة

کلیدواژه: قصاص، قتل، انتقام.

برسش: با وجود زحمات فراوان **زنان** در امر **تربیت**، چرا قرآن او را در موقع **طلاق** از بچه بی بهره می کند؟

پاسخ: در پاسخ موارد زیر را بیان می کنیم:

۱. **زن و مرد** در **حق** نسبت به فرزند مشترک اند.
۲. ماندن فرزند نزد پدر «وظیفه‌آور» برای مرد و حق انحصاری برای مرد نیست.
۳. **زن** می تواند برای حضانة اجرت بگیرد.
۴. حقوق مادری تا آخر عمر بر گردن فرزند بوده و فرق از این جهت، بین قیل و بعد طلاق نیست.
۵. الحاق کودک از نظر شرعی به پدر و به خاطر به زحمت نیفتادن زن در تأمین مخارج و **ازدواج مجدد** است.
۶. به خاطر **تعبد**، دستورات خدا را می پذیریم؛ چون می دانیم از طرف خالق مهربان، **عالم**، حکیم و... است.

فهرست مندرجات

- ۱ - نکته مقدماتی
- ۲ - حضانة در قرآن
 - ۲.۱ - آیه ۲۳۳ سوره بقره
 - ۲.۲ - نسبت دادن فرزند به پدر و مادر
 - ۲.۳ - الحاق فرزند به پدر
 - ۲.۴ - حضانة فرزند
- ۳ - حضانة در فقه
 - ۳.۱ - حضانة کودک
 - ۳.۲ - وظیفه مرد
 - ۳.۳ - پایان حضانة فرزند
- ۴ - بیان چند نکته
 - ۴.۱ - نکته اول
 - ۴.۲ - نکته دوم
- ۵ - حقوق فرزند و والدین
- ۶ - نتیجه بحث
- ۷ - منابع
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

نکته مقدماتی

همان گونه که می دانید **قرآن** تنها نسخه نجات بخش بشریت است که از طرف **خداوند** به صورت **وحی** به پیامبر خویش نازل شده است. قرآن در بیان احکام و مسائل شرعی نوعاً به جزئیات نپرداخته و تفسیر و توضیح آن را بر عهده پیامبر و ائمه معصومان (علیهم السلام) نهاده است. مسئله حضانة و **تربیت** و نگهداری کودک و نیز حق شیر دادن مادر از جمله اموری است که **قرآن کریم** به صورت کلی به آن پرداخته و در **تشریح**، احکام آن نیازمند مراجعه به معصومان (علیهم السلام) و در زمان **عبیت کبرای حضرت حجة (عجل الله تعالی و فرجه الشریف)** به نواب عام و مراجع عظام **تقلید** می باشد.

حضانة در قرآن

قبل از هر چیز لازم به ذکر است که ظاهراً در قرآن مطلبی که در سؤال ادعا شده است وجود ندارد؛ هر چند از آیه ۲۳۳ سوره بقره، در مورد حضانة مطالبی استفاده می شود که به اختصار بیان می شود.

← آیه ۲۳۳ سوره بقره

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدُهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدُهُ وَعَلَى الْوَالِدِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا».^[۱]

«مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده **پدر** لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر **طلاق** گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر **اختلاف** با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر **وارث** او نیز لازم است این کار را انجام دهد [= هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و **مشورت**، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست؛ و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط این که **حق** گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید و از (مخالفت فرمان) **خدا** بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست!».

← نسبت دادن فرزند به پدر و مادر

مادر و پدر هر دو به یک اندازه در به وجود آمدن فرزند شریک‌اند، و او فرزند هر دوی آنهاست، این مطلب از جمله «وَأُولَادُهُنَّ» که فرزندان را اولاد زنان به شمار آورده و از جمله «مولود له بولده» که فرزند را منسوب به پدر کرده و گفته فرزند پدر، به‌خوبی استفاده می‌شود. این حکم و نسبت دادن از نظر تکوینی و حقیقی می‌باشد و برای همیشه است و طلاق و... در آن تأثیری ندارد.

← الحاق فرزند به پدر

به علت این‌که تمام مخارج زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه مادری که او را شیر می‌دهد به عهده پدر است، فلذا از نظر اسلام (از نظر تشریحی) فرزند ملحق به پدر می‌شود. این مطلب نیز از **اطلاق** «مولود له» بر پدر، استفاده می‌شود؛ چراکه معنی جمله این است که فرزند برای پدر متولد شده است.

← حضانت فرزند

حضانت و پرورش کودک و شیر دادن به او تا دو سال - حتی در صورت طلاق - حق زن است و می‌تواند از این حق بگذرد. این مطلب نیز از جمله «لِمَنْ ارَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ» استفاده می‌شود. جمله قبل از این به این صورت است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ»؛ یعنی مادران بچه‌های خود را می‌توانند (حق دارند) دو سال کامل شیر بدهند، بعد جمله «لمن اراد...» آمده؛ یعنی این شیر دادن تا دو سال حق زن است و هر زنی که بخواهد تا دو سال بچه پیش او می‌ماند. [۲]

حضانت در فقه

مطالب ذکر شده از قرآن استفاده می‌شود؛ اما در فقه مطالب زیادی در این مورد بیان شده که در نوشتار به بعضی اشاره می‌شود:

← حضانت کودک

۱. حضانت کودک ولو بعد از طلاق تا دو سالگی (در پسرها) و تا هفت سالگی (در دخترها) حق زن بوده و بنابراین می‌تواند از این حق بگذرد و یا این‌که، حتی برای این حضانت همانند شیردادن از مرد تقاضای پول بکند. [۳] البته اگر بعد از طلاق ازدواج مجدد صورت بگیرد، این حق او ساقط نمی‌شود. [۴]

← وظیفه مرد

بعد از اتمام مدت حق حضانت زن، حضانت «وظیفه مرد» است نه «حق انحصاری» او.

← پایان حضانت فرزند

کودکان (دختر یا پسر) بعد از بلوغ و رشد، مدت حضانتشان پایان یافته و کسی بر او حق حضانت ندارد؛ بلکه اختیارش به دست خود اوست. [۵]

بیان چند نکته

درباره موارد فوق به چند نکته اشاره می‌کنیم:

← نکته اول

گذشته از مطالب یادشده، ازدواج مجدد برای زنی که فرزند همراه اوست مشکل بوده و کمتر مردی قبول می‌کند با چنین زنی ازدواج کند. همچنین تأمین مخارج خودش برای او سخت است، چه برسد به تأمین زندگی کودک.

← نکته دوم

البته با وجود تمام مطالب یادشده باید دانست، علل همه احکام بر ما به طور کامل روشن نیست؛ و ما بعد از آن‌که اسلام عزیز را به عنوان دین انتخاب کردیم، می‌بایست احکام و دستورات او را از آنجا که از طرف خدایی حکیم و علیم و عادل می‌باشد، اجرا بکنیم.

حقوق فرزند و والدین

از آنچه ذکر شد، مشخص شد که فرزند بین پدر و مادر مساوی بوده و او فرزند هر دوی آنهاست. بعد از طلاق نیز هر دو در حقوق والدین نسبت به فرزند یکی هستند و همان‌گونه که قبل از طلاق زن، مادر او بوده، بعد از طلاق هم همین‌گونه بوده و وظایف و حقوق مادری باز بر گردن فرزند می‌باشد و در صورت عدم توجه فرزند به مادر، مادر حق عاق کردن او را دارد و همین‌طور است پدر. تنها فرق این است که بعد از طلاق فرزند پیش پدر می‌ماند تا زن در مضیقه تأمین مخارج او قرار نگیرد و صرف این‌که فرزند پیش پدر است، حقی اضافی بر پدر ثابت نمی‌شود. این مطلب همانند این است که زن و مرد از هم با طلاق جدا نشده باشند، ولی فرزند بخواهد به مسافرتی چندین ساله (مثلاً برای تحصیل) برود، در این‌جا هم، زن مادر و مرد پدر فرزند است، منتها مخارج فرزند بر عهده پدر خواهد بود.

نتیجه بحث

نتایج به دست آمده، به قرار زیر خواهد بود:

۱. زن و مرد در حق نسبت به فرزند مشترک‌اند.
۲. ماندن فرزند نزد پدر «وظیفه‌آور» برای مرد و حق انحصاری برای مرد نیست.
۳. زن می‌تواند برای حضانت اجرت بگیرد.
۴. حقوق مادری تا آخر عمر بر گردن فرزند بوده و فرق از این جهت، بین قبل و بعد طلاق نیست.
۵. الحاق کودک از نظر شرعی به پدر و به خاطر به زحمت نیفتادن زن در تأمین مخارج و ازدواج مجدد است.
۶. به خاطر تعبد، دستورات خدا را می‌پذیریم؛ چون می‌دانیم از طرف خالق می‌ماند، عالم، حکیم و... است.

منابع

۱. مجدیان، بهرام، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲. فلاح‌زاده، مجدحسین، احکام کودکان از تولد تا بلوغ، ناشر دلیل، ۱۳۷۹ ش.
۳. رواق‌اندیشه، ش ۸، ص ۲، سردبیر: سیدحسین‌هاشمی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱ ش.
۴. پیام زن، دوره ۴، صاحب اثر: احمد حیدر، ۱۳۷۴/۹، (بررسی مطالب از دیدگاه المیزان).
۵. فلسفه حقوق، تهیه و تدوین و نشر توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - (رحمة‌الله‌علیه) ، قم، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲-۲۳۴.

پانویس

۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۳.
۲. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۵۹ - ۲۶۲، مترجم سید مجدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ↑ گردآور: خانه کودک، احکام مادر و کودکان، ص ۷۵، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۴. ↑ موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۲-۲۱۳، مسنله ۱۶، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ دوم.
۵. ↑ گردآور: خانه کودک، احکام مادر و کودکان، ص ۷۸، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۷۶ ش.

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «حضانت»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۱۰/۱۳. 